

## رابطه صفات شخصیتی در مدل شش عاملی شخصیت (هگزاکو) با نگرش

### سیاسی شهروندان شهر تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۰۱

بهمن غیور وحدت<sup>۱\*</sup>

دکتر محمدنقی فراهانی<sup>۲</sup>

### چکیده

**مقدمه:** هنگامی که شناختی از پدیده‌ها به دست می‌آید، با آنها به شیوه خاصی بنام نگرش رفتار می‌کنیم. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه صفات شخصیتی در مدل شش‌گانه هگزاکو و نگرش افراد به جریان‌های سیاسی انجام شد.

**روش:** بدین منظور نمونه‌ای شامل ۳۷۲ نفر (۱۸۵ نفر مرد، ۱۸۴ نفر زن و ۳ نفر با جنسیت نامشخص) به روش نمونه‌گیری در دسترس از جامعه آماری شهروندان تهرانی انتخاب گردید. از پرسشنامه‌های صفات شخصیت هگزاکو-۶۰ و سنجش نگرش سیاسی (محقق ساخته) برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد.

**یافته‌ها:** برای تجزیه تحلیل توصیفی داده‌ها از جدول فراوانی، میانگین و انحراف معیار و برای تحلیل استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام استفاده شد. نتایج نشان داد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان ادعا نمود که همبستگی مثبت معنی‌دار بین صفات صداقت-فروتنی، پذیرش و گشودگی با نگرش به جریان‌های سیاسی و همبستگی معنی‌دار منفی بین صفت وظیفه‌شناسی با نگرش به جریان سیاسی وجود دارد. ولی برای صفات تهییج‌پذیری و برون‌گرایی ارتباط معناداری تایید نمی‌شود. همچنین نتایج نشان داد که متغیرهای صفات گشودگی، وظیفه‌شناسی، صداقت-فروتنی و پذیرش حدود ۶۶ درصد از تغییرات متغیر نگرش به جریان‌های سیاسی را پیش‌بینی می‌نمایند.

**نتیجه‌گیری:** صفات به واسطه تأثیر رویه‌های خود و کنش متقابل محیط بر این رویه‌ها ارتباط خود را با نگرش به جریان‌های سیاسی حفظ و نقش پیش‌بینی در تبیین نگرش سیاسی را ایفا می‌کنند. همچنین صفات به علت خاصیت پایداری خود به نگرش‌های ذاتاً ناپایدار انسان، رنگ و بوی ماندگاری می‌دهند.

**واژه‌های کلیدی:** صفات شخصیتی، شش عامل شخصیت، هگزاکو، نگرش سیاسی، جریان سیاسی

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی

\* نویسنده مسئول: bahman59@gmail.com

۲. استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی

## The relations among personality characteristics in the HEXACO model and political attitude in Tehran citizenry

Bahman Gayourvahdat<sup>1\*</sup>  
mohamad Naghi Farahani<sup>2</sup>

### Abstract:

**Introduction:** People deal with different kinds of phenomena in their lives and behave in a specific way when they get recognition of them which is known as attitude. This study is carried out with the aim of finding a relationship between personality characteristics in the HEXACO model and people's political attitude.

**Method:** Sample population of the study in Tehran citizenry and Cochran formula and available method is used for choosing the sample. 372 persons (185male, 184female and 3 Transsexual) of them are selected and HEXACO-60 and political attitude questionnaires are used for Gathering variables which is personality characteristics in the criteria is a political attitude.

**Results:** For analyzing data used providing frequency table average, variance, Pearson correlation coefficient, and stepwise multivariable regression analysis. According to the purpose of the study which is Pearson correlation coefficient test showed that it is possible to claim with high certainty 99 percent that positive meaningful correlation exists between honesty-humility, openness and agreeableness characteristics and political attitude and negative meaningful correlation between conscientiousness characteristics with political attitude but there is not any meaningful relationship for emotionality and extraversion characteristics and stepwise regression analysis showed among HEXACO personality characteristics honesty-humility, openness, conscientiousness and agreeableness predict about 66% of political attitude variable changes

**Conclusion:** through analysis of findings, it is concluded that characteristics due to effects of their facets and environmental reciprocal impact of them keep their relationship with political attitude and has a predictive role in determining political attitudes. In addition, because of days, durability characteristics give persistence color to inherent transition views of human being.

**Keywords:** personality characteristics, HEXACO model, political attitude, political ideology.

---

1 . MA in general psychology, Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University, Karaj, Iran.

\*Corresponding Author:bahman59@gmail.com

2 . Ph.D :Professor at Faculty of Psychology and Education ,Kharazmi University,Karaj, Iran.

## مقدمه

از زندگی خصوصی و خانوادگی شخص گرفته تا ارتباط شخص با دیگران و یا گرایش نسبت به دین و مسائل سیاسی و اجتماعی در نگرش‌های شخصی ارتباطی منسجم به چشم می‌خورد. افراد در زندگی خود با پدیده‌های گوناگونی سروکار دارند و هنگامی که شناختی از پدیده‌ها به دست می‌آورند، با آنها به شیوه‌های خاصی رفتار می‌کنند. این شیوه خاص رفتار کردن با پدیده‌ها را می‌توان نگرش نامید. در اصل نگرش حالتی ذهنی است که فرد را برای انجام دادن کنش آماده می‌سازد و بطور ضمنی دلالت دارد بر نوعی آمادگی روانی - عصبی برای فعالیت ذهنی و جسمی (آلپورت، ۱۹۳۵). یعنی به آنچه که ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین را شامل می‌شود، نگرش شخص نسبت به آن چیز گویند (کرج، بالاچی و کراچفیلد<sup>۱</sup>، ۱۹۶۲).

از انواع گوناگون نگرش‌های آدمی که در جامعه کنونی نقشی ارزنده در ساختار اجتماعی می‌گذارد، نگرش سیاسی<sup>۲</sup> افراد است. نگرش سیاسی تمایلات درونی و روانی افراد در جهت کنش سیاسی است که خود متأثر از عواملی مانند سنتها، خاطرات تاریخی، انگیزه‌ها، عواطف، نهادها و عوامل جامعه‌پذیری سیاسی است (آلموند و وربا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). نگرش سیاسی تعیین می‌کند که فرد به قلمرو خاصی از سیاست واکنش نشان می‌دهد یا نمی‌دهد (هرمن، ۲۰۰۰).

یکی از عوامل عمده در شکل‌گیری نگرش سیاسی در جوامع کنونی جریان‌های سیاسی است. جریان‌های سیاسی به طرق مختلفی تقسیم‌بندی گردیده‌اند، که یکی از این تقسیم‌بندی‌ها اصطلاح جناح‌های چپ و راست می‌باشد. از این دو اصطلاح برای مختصر کردن قالب توضیحی عقاید و باورهای سیاسی و خلاصه کردن نظریه‌های ایدئولوژیکی سیاستمداران و احزاب سیاسی استفاده می‌شود. با این وجود باید گفت که اصطلاحات چپ و راست معانی دقیقی ندارند (هیوود، ۲۰۱۰). ادبیات نظری و پژوهشی نیز به دو نوع نگرش سیاسی تقسیم شده که عبارت است از نگرش سیاسی محافظه‌کار (سنتی) و نگرش سیاسی لیبرال (آزادی‌خواه، تحول‌خواه یا نوگرا). به هر روی با نگاهی معطف به دو ایدئولوژی محافظه‌کار و لیبرالیسم در جهان، می‌توان جناح‌های رقیب در جامعه ایران که دو جریان سیاسی عمده در سال ۱۳۹۶ است، نام برد که عبارتند از اصولگرایی و اصلاح طلبی. البته مشخص کردن و شناخت دقیق این دو جریان با توجه به نحوه تقسیم قدرت در حکومت ایران بسی دشوار است. اما اینطور بر می‌آید که عمده ملاک‌های تفاوت در این دو جریان سیاسی ناشی از موضع‌گیری آنها در نگرش به مقوله‌های احزاب، تهاجم فرهنگی، روابط با آمریکا، قوانین زنان، ولایت فقیه، فرهنگ، اقتصاد، روابط خارجی و اصلاحات می‌باشد. (شادلو، ۱۳۸۰؛ دارابی، ۱۳۸۸؛ مرتجی، ۱۳۹۵).

این موضوع که نگرش‌ها چگونه شکل می‌گیرند و چگونه تغییر می‌کنند، برای رهبران، سیاستمداران بسیار مهم است؛ زیرا می‌توانند با پیش‌بینی رفتار سیاسی دیگران، اقدام مناسب و تأثیر

1. Krech, Ballachey, Crutchfield

2. Political Attitude

3. Almond, Verba

گذاری مورد نظر را اعمال کنند (عبدالملکی، ۱۳۸۰). با بررسی عوامل دخیل در شکل‌گیری و تغییر نگرش سیاسی افراد، می‌توان به عناصر مختلفی اشاره نمود. برای نمونه، نگرش‌های هر فرد منعکس‌کننده شخصیت او هستند. معمولاً شخصیت‌های خاصی دارای نگرش‌های خاصی هم هستند. به‌عنوان مثال شخصیت با جهت‌گیری غیر سازنده که با ویژگی‌های چون جمود فکری، تعصب افراطی، عدم گذشت و... همراه است، نگرش‌های مشخصی را به ظهور می‌رساند (کریمی، ۱۳۷۷).

یا اینکه هر نوع شخصیت با مجموعه خاصی از نگرش‌ها همراه است. به‌طور کلی افرادی با خلق و خوی معین صاحب نگرش‌های خاص منطبق با آن خلق و خو می‌شوند (مکسول، ۱۳۸۵). فردی که اساس شخصیت او اقتدارطلب است این خصیصه در همه عرصه‌های خانواده، دین و سیاست تجلی می‌کند. در خانواده فردی مقتدر در سیاست، طرفدار و مطیع قدرت و دشمن ضعیف است و فردی که خصیصه اساسی شخصیت او تسامح، بردباری، محبت و مساوات و دوستی است، نگرش‌های او نسبت به زن و فرزند و خانواده، بردبارانه و ناشی از محبت و گذشت است. در دین نیز از تعصب و سخت‌گیری بیزار است و در سیاست نیز آزادی خواه و مساوات طلب است (کرچ، بالاچی و کراچفیلد، ۱۹۶۲). یعنی نگرش‌ها، باورهای دینی، انگیزه‌ها و اعمال تا حد زیادی با شخصیت افراد مرتبطند.

نقش شخصیت در ترجیح و اتخاذ نمایه‌های ایدئولوژیکی ویژه، یک موضوع با قدمت در شخصیت و روان‌شناسی اجتماعی بوده است (ویلسون<sup>۱</sup>، ۱۹۷۳). ولی تحقیقات قدیمی فاقد یک مدل وسیع قوی در تبیین کلی ساختار شخصیت و همچنین تعاریف آشکار از هسته‌های انگیزشی گرایش‌ها و نگرش‌های سیاسی بوده است. نقش صفات شخصیتی به‌عنوان «ابعاد تفاوت‌های فردی در گرایش‌های مختلف برای نشان دادن ثبات الگوهای فکری، احساسی و رفتاری» تعریف می‌شود (مک‌کری و کاستا<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰). نشان داده شده است که صفات شخصیتی به‌طور کلی یک پیش‌بین برای رفتارهای سیاسی و نگرش‌های سیاسی مختلف بوده است. در واقع صفات شخصیتی با تأثیرش بر مباحث بین فردی این تأثیر را بر روی سیاست (هیبلینگ، ریچی، اندرسون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱)، نگرش سیاسی و همچنین نگرش‌های اقتصادی و اجتماعی (گربر، هابر، دورتی، داوولینگ، ها<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰) و رفتارهای مختلف سیاسی می‌گذارد (مونداک و هالپرین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸). به همین دلیل در عصر کنونی، شناخت تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های شخصیتی افراد در بسیاری از موقعیت‌های زندگی ضرورت پیدا می‌کند. اتخاذ نگرش‌ها، کارایی افراد در شغل، موفقیت آنها در تحصیل، اثربخشی روش‌های درمانی و به‌طور کلی سازگاری انسان در تمامی موقعیت‌های زندگی با خصایص شخصی او رابطه دارد (نکویی مقدم، پیرمرادی بزنجان، ۱۳۸۷).

در سال‌های اخیر دانشمندان علوم سیاسی توجه‌شان را به این سؤال معطوف کرده‌اند که آیا صفات شخصیتی، تفاوت در نگرش‌های سیاسی افراد را توجیه می‌کنند (گربر، هابر، دورتی، داوولینگ،

1. Wilson  
2. Mc Crae, Costa  
3. Hibbling, Ritchie, Anderson  
4. Gerber, Huber, Doherty, Dowling, Ha  
5. Mondak, Halperin

ها، ۲۰۱۰) که یک فرض برای ارتباط صفات شخصیتی با نگرش‌های سیاسی این است که درجه‌ای از همبستگی در ساختار خود نگرش‌های سیاسی وجود دارد. وقتی مدل شخصیت فراگیر، نظریه ساختارهای شخصیتی سرانجام ظهور کرد یعنی مدل پنج عاملی (گلدبرگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰) و این مدل به سرعت به‌عنوان ابزاری مؤثر در توصیف گرایش‌های سیاسی (محافظه‌کار و لیبرال) مختلف بهینه شد (کاپرارا، باربارانلی و زیمباردو<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹) و بیش از چندین دهه روانشناسان شخصیت درباره ارتباط عوامل شخصیتی و ترجیحات سیاسی و گزینش‌های انتخاباتی مطالعاتی داشته‌اند که بیشتر بر روی مدل پنج عامل بزرگ استوار بوده است (کاپرارا و زیمباردو ۲۰۰۴).

البته در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی بر مبنای مدل هگزاکو انجام گردیده است. این مدل که از شش صفت صداقت- فروتنی<sup>۳</sup>، تهییج‌پذیری<sup>۴</sup>، برون‌گرایی<sup>۵</sup>، توافق یا پذیرش<sup>۶</sup>، وظیفه‌شناسی<sup>۷</sup> و گشودگی<sup>۸</sup> تشکیل شده است؛ سعی در کاهش نقصان‌های نظریه‌های صفات قبلی دارد و نام آن نیز از اولین حرف همین صفات به‌دست آمده است. در مطالعه‌ای به این یافته رسیده‌اند که در مدل هگزاکو صفات نقش مهمی در پایه‌ریزی‌های شخصیتی نگرش‌های سیاسی- اجتماعی دارد (سیبلی، هاردینگ، پری، آسبروک، دوکیت<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰). در این مدل برای مثال صفت صداقت- فروتنی جلوه‌ای از صفت انصاف را در تعاملات اجتماعی به تصویر می‌کشد که در رفتار جوانمردانه و همکاری با دیگران حتی زمانی که شخص توانایی بهره‌کشی از دیگران بدون ترس از انتقام را دارد، نمود پیدا می‌کند. (اشتون و لی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۷).

از سوی دیگر، بارنی و شوارتز<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۸) با بررسی ایدئولوژی‌های سیاسی یعنی محافظه‌کاری و لیبرالیسم اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهند که احزاب لیبرال که بر روی تساهل، گشودگی و استقلال شخصیتی تأکید می‌کنند، بیشتر برای افرادی که بر ارزش‌های جهان‌گرایی، خودفرمانی و انگیزش تقدم قائلند، مطلوب می‌باشد. از طرف دیگر محافظه‌کاری بر روی کنترل، اقتدار، نظم اجتماعی و وفاداری تأکید می‌کند. به همین علت احزاب محافظه‌کار بیشتر از سوی افرادی مورد حمایت قرار می‌گیرند که اولویت بیشتری برای ارزش‌های قدرت، امنیت، سنت و هماهنگی قائل می‌شوند.

1. Goldberg
2. Caprara, Barbaranelli, Zimbardo
3. Honesty-Humility
4. Emotionality
5. Extroversion
6. Agreeableness
7. Conscientiousness
8. Openness
9. Sibley, Harding, Perry, Asbrock, Duckitt
10. Ashton, Lee
11. Barnea, Schwartz

در این تحقیق بررسی ارتباط صفات شخصیتی صداقت-فروتنی، تهییج‌پذیری، برون‌گرایی، توافق یا پذیرش، وظیفه‌شناسی و گشودگی در مدل صفات شخصیتی شش عاملی (هگزاکو) و نگرش به جریان‌های سیاسی شهروندان شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته است.

## روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر زمانی گذشته‌نگر و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات تحقیق توصیفی-مقطعی از نوع همبستگی بود.

جامعه پژوهش حاضر کلیه شهروندان ۲۵ تا ۶۵ ساله با سطح تحصیلات بالای دیپلم ساکن شهر تهران که با توجه به داده‌های خروجی درگاه اینترنتی مرکز آمار ایران در سال ۹۵ تقریباً ۴۶۰۰۰۰۰ (چهار میلیون و ششصد) نفر برآورد شده‌اند. نمونه شامل ۳۸۵ نفر (۱۸۵ مرد، ۱۸۴ زن و ۳ نفر جنسیت نامعلوم) است که با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه کوکران به دست آمد که آن را به ۴۰۰ نفر افزایش دادیم که با کسر پرسشنامه‌های با داده‌های مخدوش ۳۷۲ نمونه به دست آمد. روش نمونه‌گیری با توجه به عدم همکاری نهادهای زیربنا مثل مرکز آمار ایران و شهرداری‌های مناطق تهران که بعضاً بدلیل نوع متغیرهای وابسته این تحقیق بود به ناچار روش در دسترس انتخاب گردید. نمونه‌ها از تقسیم بندی شهر تهران به ۵ منطقه شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب به دست آمدند که در هر منطقه ۸۰ پرسشنامه توزیع گردید. بدین صورت که از جامعه مورد بحث شهر تهران با توجه به تفکیک طبقات اجتماعی آن و کنترل این عامل به ۵ بخش شمال، جنوب، شرق، غرب، مرکز تقسیم گردید که با ذکر مناطق شهرداری به این قرار می‌باشند: بخش شمالی، مناطق ۱، ۲، ۳؛ بخش غربی، مناطق ۲۲، ۲۱، ۵، ۹؛ بخش شرقی، مناطق ۴، ۸، ۱۳، ۱۴، ۱۵؛ بخش جنوبی، مناطق ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و بخش مرکزی، مناطق ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲. با توجه به تأکید مؤکد بر مقوله تغییر نگرش‌ها محقق خود را ملزم به این مهم نمود که جمع‌آوری داده از نمونه‌ها بایستی حتی الامکان در یک بازه زمانی کوتاه انجام گیرد که از تأثیر اتفاقات و رویدادهای مختلف به‌عنوان یک متغیر کنترل بتوان تا حدودی چشم پوشید. به این منظور محقق از ۱۰ نفر کارشناس روان‌شناسی به‌عنوان دستیاران تحقیق استفاده کرد که بتواند در مناطق عنوان شده شروع به جمع‌آوری داده‌ها بنماید. پرسشنامه‌ها به صورت چاپ کاغذی و همچنین برای یاری به کمپین «نه به مصرف کاغذ» برای حفظ محیط زیست از بستر اینترنت و با استفاده از تبلت‌هایی که دستیاران به آن مجهز شده بودند، در اختیار نمونه‌ها قرار گرفت که به دلخواه شخص پاسخ‌دهنده، مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به اینکه یکی از متغیرهای تحقیق مربوط به حیطة بحث برانگیز سیاست می‌باشد که تلویحاً دغدغه خاطری برای افراد عادی جامعه ایجاد می‌نماید به هیچ عنوان اطلاعات شخصی در این تحقیق اخذ نشد و تدبیری اندیشیده شد که شرکت کنندگان موقع برگرداندن پرسشنامه خود شخصاً آن را در یک محفظه در میان سایر پرسشنامه‌ها قرار دهند تا از گمنام بودن‌شان مطمئن گردند. این حق به شرکت کنندگان واگذار شده بود در صورت عدم رضایت

می‌توانند پرسشنامه را خالی برگردانند که باعث مخدوش شدن تعدادی از پرسشنامه‌ها و خروج آنها از روند تحلیل گردید.

## ابزارهای پژوهش

**الف) پرسشنامه صفات شخصیت هگزاگو-۶۰:** این پرسشنامه دارای ۶ عامل به نام‌های صداقت- فروتنی، هیجان‌پذیری، برون‌گرایی، توافق، وظیفه‌شناسی و باز بودن به تجربه می‌باشد. هر عامل از ۴ زیر مقیاس تشکیل شده است و شامل ۱۰ سوال می‌باشد. در مجموع این پرسشنامه دارای ۶۰ سوال می‌باشد. هگزاگو برگرفته شده از سر واژه‌های عامل‌های پرسشنامه می‌باشد. این پرسشنامه توسط اشتون و لی (۲۰۰۰) تهیه شده و در سال ۲۰۰۱ مورد تجدید نظر قرار گرفت. پایایی و اعتبار این پرسشنامه در مطالعات مختلف مورد تأیید قرار گرفته است (اشتون، لی، پروچینی و همکاران، ۲۰۰۴). پاسخنامه دارای پنج گزینه عمدتاً نادرست، تا حدودی نادرست، نه درست و نه نادرست، تا حدودی درست، عمدتاً درست می‌باشد. سوالات ۱، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۹ و ۶۰ به صورت معکوس نمره گذاری می‌گردد. این پرسشنامه برای شهروندان شهر تهران (براقی زاده، ۱۳۹۲) و برای دانشجویان ایرانی (رحمانی، فرخی، آقا بیگی، ۱۳۹۴) هنجاریابی شده است. پایایی ابعاد صداقت- فروتنی، هیجان‌پذیری، برون‌گرایی، توافق، وظیفه‌شناسی و باز بودن به تجربه با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب برابر ۰/۷۴، ۰/۷۳، ۰/۷۳، ۰/۷۵، ۰/۷۶ و ۰/۸۰ گزارش شده است (اشتون و لی، ۲۰۰۹) و در پژوهش حاضر به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۶۴، ۰/۷۲، ۰/۷۱، ۰/۶۰ و ۰/۵۹ می‌باشد.

**ب) پرسشنامه سنجش نگرش سیاسی:** این پرسشنامه که درباره سنجش نگرش به جریان‌های سیاسی افراد در یک پیوستار از اصول‌گرایی تا اصلاح طلبی می‌باشد دارای ۱۹ گویه و در ابعادی که مورد توافق دو جریان اصلاح طلبی و اصول‌گرایی نیست، ساخته شده است. در این پرسشنامه ۴ گویه برای ارزیابی نگرش تهاجم فرهنگی، ۴ گویه برای نگرش اقتصادی، ۴ گویه برای نگرش فرهنگی، ۴ گویه برای نگرش روابط خارجی و ۳ گویه برای نگرش اصلاحاتی می‌باشد. این پرسشنامه ابتدا بصورت ۲۴ گویه تهیه شده بود که بعد از بررسی اساتید و صاحب‌نظران رشته‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و همچنین برخی نظریه پردازان بنام دو جریان فوق برای کسب روایی آن به روش صوری در سه مرحله با استفاده از نقدها و ارزیابی‌ها و تصحیحات به ۱۹ گویه تقلیل یافت. گویه‌های نگرش‌های مختلف در هم ادغام شدند تا چیدمانشان جهت‌گیری خاصی به پاسخ دهنده ندهد. در یک مطالعه مقدماتی<sup>۱</sup> روی ۴۰ نمونه نیز که برای محاسبه پایایی آن به روش آلفای کرونباخ انجام گردید، برای ابعاد تهاجم فرهنگی، فرهنگ، اقتصاد، روابط خارجی و اصلاحات به ترتیب آلفا معادل ۰/۸۷، ۰/۸۹، ۰/۸۵، ۰/۸۶ و ۰/۸۶ به دست آمده است.

## یافته‌های پژوهش

جدول ۱. شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرهای صفات شخصیتی و ملاک

متغیر پیش‌بین و ملاک	تعداد	کم‌ترین	بیش‌ترین	میانگین	انحراف معیار
صفت صداقت-فروتنی	۳۷۲	۱۲	۵۰	۲۷/۰۲	۸/۸۹۸
صفت تهییج‌پذیری	۳۷۲	۱۶	۴۴	۳۱/۳۰	۵/۱۷۹
صفت برون‌گرایی	۳۷۲	۱۱	۴۴	۲۲/۸۳	۵/۷۰۰
صفت پذیرش	۳۷۲	۱۰	۴۸	۲۸/۴۵	۷/۸۱۸
صفت وظیفه‌شناسی	۳۷۲	۱۴	۴۰	۲۵/۷۴	۶/۱۰۲
صفت باز بودن به تجربه	۳۷۲	۱۵	۳۸	۲۶/۳۱	۵/۳۲۳
نگرش به جریان‌های سیاسی	۳۷۲	۲۹	۸۰	۵۵/۸۵	۹/۵۹۳

جدول ۱ مشخصات توصیفی متغیر صفات شخصیتی را که با پرسشنامه هگزاکو-۶۰ سنجیده شده است و همچنین مشخصات توصیفی متغیر نگرش به جریان‌های سیاسی را که با پرسشنامه سنجش نگرش سیاسی سنجیده شده است، نشان می‌دهد. همچنین پیش‌نیاز نرمال بودن توزیع متغیرهای مربوط به آزمون‌های پارامتریک نیز با آزمون کالموگروف-اسمیرنوف و بررسی کشیدگی و چولگی توزیع‌ها حاصل گردید.

جدول ۲. بررسی خطی بودن رابطه بین متغیرهای پیش‌بین با متغیر نگرش به جریان‌های سیاسی

متغیرهای پیش‌بین	MS	F	.Sig
صفت صمیمیت-فروتنی	۸۹۷۴/۷۰۰	۱۶۵/۶۶۰	۰/۰۰۰۱
صفت تهییج‌پذیری	۴۴/۱۱۸	۰/۶۰۲	۰/۴۳۸
صفت برون‌گرایی	۹۷/۷۵۴	۱/۵۱۲	۰/۲۲۰
صفت پذیرش	۶۷۴۱/۲۰۸	۱۶۲/۴۷۶	۰/۰۰۰۱
صفت وظیفه‌شناسی	۱۱۵۳۹/۰۸۱	۲۴۳/۳۳۰	۰/۰۰۰۱
صفت گشودگی	۱۵۷۵۰/۴۲۲	۴۷۲/۳۱۲	۰/۰۰۰۱

در جدول شماره ۲ نیز رابطه خطی بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک بررسی گردیده است.



جدول ۳. ضرایب همبستگی صفات شخصیتی با نگرش سیاسی

متغیر	ضریب همبستگی	Sig.
۱ صفت صمیمیت-فروتنی	۰/۵۱۳**	۰/۰۰۰۱
۲ صفت تهییج‌پذیری	۰/۰۳۶	۰/۴۸۹
۳ صفت برونگرایی	-۰/۰۵۴	۰/۳۰۳
۴ صفت پذیرش	۰/۴۴۴**	۰/۰۰۰۱
۵ صفت وظیفه‌شناسی	-۰/۵۸۱**	۰/۰۰۰۱
۶ صفت گشودگی	۰/۶۷۹**	۰/۰۰۰۱

\*\* < ۰/۰۱ \* P < ۰/۰۵ P

با توجه به نتایج حاصل از بررسی نمونه‌ها که در جدول شماره ۳ موجود است، اطلاعات به‌دست‌آمده برای مقدار احتمال ۹۹ درصد نشان می‌دهد، همبستگی معنی‌دار مثبت بین صفات صمیمیت-فروتنی، پذیرش و گشودگی با نگرش به جریان‌های سیاسی و همبستگی معنی‌دار منفی بین صفت وظیفه‌شناسی با نگرش به جریان‌های سیاسی وجود دارد. ولی برای صفات تهییج‌پذیری و برونگرایی ارتباط معناداری تأیید نمی‌شود.

جدول ۴. رگرسیون گام به گام متغیرهای صفات شخصیتی در پیش‌بینی نگرش به جریان‌های سیاسی

گام	متغیرهای پیش‌بین	B	$\beta$	R	R <sup>2</sup>	F	Sig.	مفروضه هم‌خطی تحمل	واریانس
۱	(ثابت)	۲۲/۶۴۷	-	۰/۶۷۹	۰/۴۶۱	۳۱۶/۸۱۶	۰/۰۰۰۱	-	-
	گشودگی	۱/۲۲۴	۰/۶۷۹					۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
۲	(ثابت)	۴۵/۴۹۳	-	۰/۷۵۷	۰/۵۷۳	۲۴۷/۵۳۹	۰/۰۰۰۱	-	-
	گشودگی	۰/۹۵۶	۰/۵۳۱					۱/۱۹۸	۰/۸۳۵
	وظیفه‌شناسی	-۰/۵۷۵	-۰/۳۶۶					۱/۱۹۸	۰/۸۳۵
	(ثابت)	۴۰/۰۹۲	-					-	-
۳	گشودگی	۰/۷۹۷	۰/۴۴۲					۱/۳۰۰	۰/۷۶۹
	وظیفه‌شناسی	-۰/۵۳۶	-۰/۳۴۱	۰/۸۰۶	۰/۶۵۰	۲۲۷/۳۷۱	۰/۰۰۰۱	۱/۲۰۶	۰/۸۲۹
	صداقت-فروتنی	۰/۳۱۸	۰/۲۹۵					۱/۱۳۳	۰/۸۸۲
۴	(ثابت)	۳۸/۱۱۸	-	۰/۸۱۰	۰/۶۵۶	۱۷۵/۱۴۰	۰/۰۰۰۱	-	-
	گشودگی	۰/۷۴۶	۰/۴۱۴					۱/۴۱۸	۰/۷۰۵
	وظیفه‌شناسی	-۰/۵۱۶	-۰/۳۲۸					۱/۲۳۱	۰/۸۱۲
	صداقت-فروتنی	۰/۳۰۲	۰/۲۸۰					۱/۱۶۷	۰/۸۵۷
	پذیرش	۰/۱۱۳	۰/۰۹۲					۱/۲۷۶	۰/۷۸۴

با توجه به اینکه ضریب تبیین در هر گام رو به جلو بهینه گردیده و در تحلیل رگرسیون گام به گام معمولاً گام آخر مبنای تحلیل قرار می‌گیرد. در گام چهارم، آخرین متغیری که وارد تحلیل شد، متغیر پیش‌بین صفت پذیرش بود. ضریب همبستگی محاسبه شده در این گام ۰/۸۱۰ و ضریب تعیین برابر ۰/۶۵۶ به دست آمد. میزان F به دست آمده که برابر ۱۷۵/۱۴۰ می‌باشد، نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. با توجه به ضریب تعیین می‌توان گفت، نزدیک به ۶۶ درصد از تغییرات متغیر ملاک نگرش به جریان‌های سیاسی به وسیله چهار متغیر پیش‌بین صفت گشودگی، وظیفه‌شناسی، صداقت-فروتنی و پذیرش تبیین می‌شود. مقدار Beta به ما کمک می‌کند، سهم نسبی هر متغیر را در پیش‌بینی متغیر ملاک مقایسه کنیم و به عبارتی بتوانیم تعیین کنیم، کدام متغیرها بیش‌ترین تأثیر را بر متغیر ملاک دارند. با توجه به نتایج جدول فوق، صفت گشودگی اهمیت بیشتری نسبت به سه متغیر دیگر داراست و سهم بیشتری در تبیین تغییرات متغیر ملاک دارد. بنابراینچه مطرح شد با توجه به نتایج به دست آمده:

مدل خطی  $Y = \alpha + B_1X_1 + B_2X_2 + B_3X_3 + B_4X_4$  قابل برازش به متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش است که در آن Y (نگرش به جریان‌های سیاسی)،  $X_1$  (صفت گشودگی)،  $X_2$  (صفت وظیفه‌شناسی)،  $X_3$  (صفت صداقت-فروتنی) و  $X_4$  (صفت پذیرش) و  $\alpha$  عرض از مبدأ و ضرایب  $B_1$ ، ... و  $B_4$  به ترتیب شیب خط یا ضرایب متغیرهای  $X_1$  الی  $X_3$  هستند. با توجه به توضیحات ارائه شده و نتایج جدول (۸-۴) معادله خطی حاصل از رگرسیون گام به گام به صورت زیر است:

$$Y = 38/118 + 0/746X_1 - 0/516X_2 + 0/302X_3 + 0/113X_4$$

## بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق در مجموع با هدف پاسخگویی به دو سؤال به شرح زیر استوار می‌باشد: در بررسی سؤال اول که آیا صفات شخصیتی صداقت-فروتنی، تهییج‌پذیری، برون‌گرایی، توافق یا پذیرش، وظیفه‌شناسی و گشودگی در مدل صفات شخصیتی شش عاملی (هگزاکو) با نگرش به جریان‌های سیاسی افراد رابطه معناداری دارند؟ می‌توان ادعا نمود که ارتباط معنی‌دار مستقیم بین صفات صداقت-فروتنی، پذیرش و گشودگی با نگرش به جریان‌های سیاسی و ارتباط معنی‌دار معکوس بین صفت وظیفه‌شناسی با نگرش به جریان‌های سیاسی وجود دارد. ولی برای صفات تهییج‌پذیری و برون‌گرایی ارتباط معناداری تأیید نمی‌شود. در بررسی سؤال دوم که آیا صفات شخصیتی صداقت-فروتنی، تهییج‌پذیری، برون‌گرایی، توافق یا پذیرش، وظیفه‌شناسی و گشودگی در مدل صفات شخصیتی شش عاملی (هگزاکو) می‌توانند، نگرش به جریان‌های سیاسی را پیش‌بینی کنند؟ می‌توان نشان داد از بین صفات شخصیت هگزاکو،

صفات گشودگی، وظیفه‌شناسی، صداقت-فروتنی و پذیرش حدود ۶۶ درصد از تغییرات متغیر نگرش سیاسی را پیش بینی می‌نمایند.

یافته‌ها نشان داد، ارتباط بین صفت صداقت-فروتنی و نگرش به جریان‌های سیاسی افراد وجود دارد. این نشان دهنده آن است که افراد دارای نمره بیشتر در صفت صداقت-فروتنی در قسمت فوقانی پیوستار نگرش به جریان‌های سیاسی یعنی متمایل به اصلاح‌طلبی قرار دارند. همانطور که کاژونیوس و دادرمان<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) همین نتیجه را برای لیبرالیسم گزارش داده‌اند. در تحقیقات دیگری نیز عنوان گردیده که صفت شخصیت صداقت-فروتنی رابطه همبستگی معکوسی با محافظه‌کاری دارند، یعنی افراد با نمرات بالای صداقت-فروتنی در پرسشنامه سنجش میزان محافظه‌کاری نمرات پائینی اخذ نمودند (چیرومبلو و لئون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰؛ سیبلی، هاردینگ، پری، آسبروک، دوکیت، ۲۰۱۰؛ اشتون و لی، ۲۰۰۷). در تبیین این یافته‌ها می‌توان اشاره نمود که چون صفت صداقت-فروتنی با رویه‌های خود مثل صمیمیت و انصاف‌گرایی به سلسله مراتب اجتماعی را خاموش می‌کند و خود یا دیگران را بالاتر نمی‌دانند، یک همبستگی مثبت با لیبرالیسم دارد (کاژونیوس و دادرمان، ۲۰۱۴). یا اینکه در تحقیقی بیان گردیده که افرادی که در فکر ایجاد کسب و کار و زندگی‌های مرفه برای خود هستند، یعنی با حرص-آز (که یکی از رویه‌های صداقت-فروتنی است) پایین برآورد می‌شوند، ارتباط معکوس معناداری با لیبرالیسم دارند (کارنی، جوست، گوسلینگ و پوتر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸).

صفت دیگری که در ارتباط با نمره بالای نگرش اصلاح‌طلبی بطور مستقیم ایفای نقش می‌کند، صفت گشودگی است. همانطور که آلتمایر<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) عنوان می‌دارد که در تحقیقات انجام شده لیبرال‌ها نمره بیشتری در گشودگی نسبت به محافظه‌کاران اخذ می‌نمایند. در تحقیقات دیگری نیز این ارتباط مثبت معنادار بین صفت گشودگی و نگرش سیاسی راست و چپ تأیید گردیده است (جاننش<sup>۵</sup>، ۱۹۳۸؛ جوست، گلاسر، کروگلانسکی، سلووی، ۲۰۰۳؛ کروگلانسکی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵؛ بارنی و شوارتز، ۱۹۹۸). کارنی، جوست و گاسلینگ و پوتر (۲۰۰۸) عنوان می‌کنند که توصیف‌هایی اجتماعی مانند فردگرا بودن، انعطاف‌پذیر بودن (براون<sup>۷</sup>، ۱۹۶۵)، آزاد (تامکینز<sup>۸</sup>، ۱۹۶۴)، کنجکاوی (جوست، گلاسر، کروگلانسکی و سلووی، ۲۰۰۳) که برای لیبرال‌ها عنوان می‌شوند، توسط رویه‌های صفت گشودگی به مانند کنجکاوی، خلاقیت و تجدد تبیین می‌شود. همچنین توصیف‌هایی از قبیل چارچوب‌دار، پایدار (جاننش، ۱۹۳۸)، متعارف

1. Kajonius, Daderman
2. Chirumbolo, Leone
3. Carney Jost, Gosling, potter
4. Altemeyer
5. Jaensch
6. Kruglanski
7. Brown
8. Tomkins

و عادی (آدرنو و همکاران، ۱۹۵۰) و خسته کننده (فروم<sup>۱</sup>، ۱۹۴۷) که به نگرش سیاسی محافظه کاری منسوب گردیده‌اند با رویه‌های صفت گشودی در تقابل می‌باشند. صفت بعدی که ارتباط مثبت معناداری با طیف نگرش به جریان‌های سیاسی دارد، پذیرش است. این ارتباط بیانگر این است که افرادی که نمرات بالای صفت پذیرش را اخذ نموده‌اند در پیوستار نگرش به جریان‌های سیاسی نیز در قسمت بالا قرار دارند، یعنی متمایل به جریان اصلاح طلبی می‌باشند. تحقیقات پیشین نیز این ارتباط مثبت را تأیید می‌نماید (فروید<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱، به نقل از کارنی، جوست، گاسلینگ و پوتر، ۲۰۰۸؛ بم<sup>۳</sup>، ۱۹۷۰؛ فروم، ۱۹۴۷؛ ویلسون، ۱۹۷۳)، ولی برخی از تحقیقات از وجود رابطه‌ای مثبت بین صفت پذیرش و نگرش محافظه کاری حکایت دارند (جاناش، ۱۹۳۸؛ آلتمایر، ۱۹۹۸).

با بررسی ویژگی اجتماعی محافظه کاران به مانند دشوار بودن، تحمل پایین (بلاک و بلاک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶)، لجباز (فروم، ۱۹۴۷)، انتقام جو (ویلسون، ۱۹۷۳) در تقابل با رویه‌های صفت پذیرش همچون بخشش، ملایمت و انعطاف‌پذیری می‌باشد. این رویه‌ها در جامعه ایرانی فرد را به صفاتی متناظر که به نگرش اصلاح طلبان نزدیک‌تر است، راهنمایی می‌نماید.

صفت دیگری که ارتباط معناداری با نگرش سیاسی دارد، وظیفه‌شناسی است، منتها این ارتباط با جهت معکوس می‌باشد. افرادی که نمرات بالایی در صفت وظیفه‌شناسی کسب نمودند در پرسشنامه نگرش سیاسی نمرات پایینی گرفته‌اند و در طیف نگرش به جریان‌های سیاسی متمایل به جریان اصولگرایی می‌شوند. برخی تحقیقات دیگر نیز این ارتباط را بین صفت وظیفه‌شناسی و محافظه کاری تأیید نموده‌اند (بارنی و شوارتز، ۱۹۹۸؛ گاسلینگ، رنتفرو و سوان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳؛ هایت و هرش<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱). ویژگی‌های بارز محافظه کاران که می‌تواند ما را در تبیین این همبستگی راهنمایی نماید، عبارتند از: استحکام (جاناش، ۱۹۳۸؛ آلتمایر، ۱۹۹۸)، دقیق و بی نقص (کلین و کوپر<sup>۷</sup>، ۱۹۸۴)، اخلاقی (هایت و هرش، ۲۰۰۱)، مبادی آداب و نرم‌های اجتماع (بم، ۱۹۷۰، تامکینز، ۲۰۰۰)، به طور مشهودی با رویه‌های صفت وظیفه‌شناسی متناظرند. این رویه‌ها عبارتند از: سازمان‌دهی، سخت‌کوشی و کمال‌گرایی که از سوی دیگر در تقابل با ویژگی‌هایی مثل غیر قابل پیش‌بینی، تکانشی و کنترل نشده (بلاک و بلاک، ۲۰۰۶) که نشاندهنده نگرش لیبرال هستند، می‌باشد.

بررسی دو صفت دیگر یعنی تهییج‌پذیری و برون‌گرایی در یافته‌های این تحقیق ارتباط معناداری با نگرش به جریان‌های سیاسی را تأیید نمی‌نمایند. شاید این ریشه در این واقعیت

1. Fromm
2. Freud
3. Bem
4. Block
5. Gosling, Rentfrow, Swan
6. Haidt, Hersh
7. Kline, cooper

دارد که افراد با صفت تهییج‌پذیری بالا نیاز به دیده‌شدنشان کم بوده و خود را از مشارکت در فعالیت‌های سیاسی باز می‌دارند (سییلی، هاردینگ، پری، آسبروک، دوکیت، ۲۰۱۰) ولی تحقیقی بیان‌کننده یک ارتباط همبستگی مثبت میان صفت تهییج‌پذیری و نگرش سیاسی لیبرال می‌باشد (جوست، گلاسر، کروگلانسکی، سلووی، ۲۰۰۳). همچنین تحقیقات دیگری نیز بر عدم وجود ارتباط بین صفت برونگرایی و نگرش سیاسی می‌باشند (اشتون و لی، ۲۰۰۷).

از نتایج دیگری نیز که از انتساب و پیش‌بینی صفات شخصیتی و نگرش‌ها حاصل می‌شود، این است که بسیاری از مطالعات بر این مهم تأکید دارند که بخش اعظم نگرش‌های افراد در حال تغییر است (چایکن، وود و ایگلی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶؛ پتی و برینول<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). حال از اینکه ما می‌دانیم، شخصیت و به تبع آن صفات شخصیتی ویژگی نسبتاً ثابت و بادوامی هستند که فرد آنها را در اکثر مواقع از خود نشان می‌دهد (گنجی و گنجی، ۱۳۹۱). می‌توان این مورد را عنوان کرد که شاید این ارتباط بین صفات و نگرش سیاسی باعث می‌شود که بخشی از نگرش سیاسی مان همواره ثابت و بدون تغییر بماند، همانطور که دیری، وایت من استار و والی<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) در تحقیقی عنوان کرده است که نگرش سیاسی افرادی که در کودکی محافظه‌کارانه بوده است در بزرگسالی نیز بر همین منوال توسعه یافته است.

در نهایت از جمع‌بندی مطالب فوق ارتباط و پیش‌بینی صفات شخصیتی مدل هگزاکو در تحقیق حاضر قابل تأیید می‌باشد، ولی بایستی به جد از این نکته حذر کرد که رابطه علی میان این متغیرها مورد بحث این تحقیق نبوده و همانطور که جانسون، روات و پترینی<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) می‌گویند: صفات شخصیتی و نگرش‌ها بصورت موازی در افراد توسعه می‌یابند.

در این تحقیق از جمله مهم‌ترین محدودیت‌هایی که محقق با آن مواجه بود، می‌توان به ماهیت متغیر ملاک اشاره نمود. نگرش سیاسی در ایران به دلیل فعالیت محدود و ناآشکار احزاب و عدم صدور اطلاعیه‌های روشن‌گرانه دال بر خواستگاه‌های حزبی و مانیفست<sup>۵</sup>‌های حزبی تعریف دقیق، جامع و موافق رأی همگان از جریان‌ها، احزاب و نگرش‌های سیاسی در ادبیات پژوهشی موجود نیست و به همین خاطر محقق مجبور به حصول یک رأی از تجمیع آراء در حزب‌های مختلف گردید. به تبع همین موضوع سنجش این نگرش سیاسی در سطح دوم تشتت آراء قرار داشته و هیچ ابزار مناسبی برای سنجش نگرش سیاسی به دست نیامد. در گام بعدی تحقیقات و ادبیات پژوهشی در زمینه روان‌شناسی سیاسی و بالاخص در موضوع تحقیق حاضر در کشور ایران موجود نمی‌باشد یا شاید محقق با تمام تلاشی که در جستجوی منابع بخرج داده بود، موفق به دستیابی به آنها نگردید. یکی دیگر از

1. Chaiken, Wood, egly  
2. Petty, Brinol  
3. Deary, whiteman, Starr, Whalley  
4. Johnson, Rowatt, petrini  
5. Manifest

محدودیت‌های تحقیق، انجام کنترل شده آن به جهت حساس بودن نگرش به تغییر با توجه به زمان می‌باشد. چرا که رویدادهای اجتماعی-سیاسی مانند: گران شدن اجناس و یا نارضایتی عموم در یک برهه زمانی باعث تغییرات نگرش به جریان‌های سیاسی بالاخص جریان حاکم می‌شود. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش و پژوهش‌های نظیر گردآوری داده‌ها توسط پرسشنامه‌ها است که ممکن است برخی افراد در آن اطلاعات نادرستی خواسته یا ناخواسته وارد نمایند. همانطور که می<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) می‌گوید: «که باید قصدمندی سوژه‌های انسانی را نیز در هر آزمونی در نظر داشته باشیم، مثلاً اینکه قصد سوژه‌های یک کلاس که آن‌ها را مورد آزمون (TAT) قرار داده‌اید، چیست؟..... در هر حال باید بارها تأکید کنم که وقتی پژوهش‌های روانشناختی را مطالعه می‌کنم، به این اعتقاد می‌رسم که روانشناس در حال مطالعه چیزی است غیر از آنچه فکر می‌کند، دارد مطالعه‌اش می‌کند. در نهایت هم نخواهد فهمید به چه نتیجه‌ای رسیده». البته محدودیتی که از نظر محقق عنوان گردیده بود به این سیاهی نمی‌باشد! در نهایت پیشنهاد می‌گردد با توجه به اینکه همواره سؤالاتی در مورد نگرش سیاسی و آراء سیاسی افراد در هر اجتماعی بالاخص در جامعه ایرانی سؤالاتی خاص و تنش‌زا بوده و افراد در صدد عدم پاسخ یا کتمان پاسخ واقعی هستند، پیشنهاد می‌شود، دست اندرکاران دستگاه‌های جمع‌آوری این اطلاعات با توجه به نتایج این آزمون از همبستگی صفات شخصیتی و نگرش سیاسی بهره‌مند و در جمع‌آوری اطلاعات صحیح و بی‌دغدغه از جامعه استفاده نمایند. همچنین متولیان بنگاه‌های تبلیغاتی بالاخص در شناخت و جذب و یا حتی در راستای تغییر نگرش می‌توانند از نقش پیش‌بینی صفات شخصیتی برای نگرش سیاسی استفاده نمایند. با نظر به مطالبی که در بخش محدودیت‌ها عنوان گردید، پیشنهاد می‌گردد که صاحب‌نظران رشته علوم سیاسی در همکاری نزدیک با روانشناسان اقدام به ساخت و هنجاریابی ابزار سنجش نگرش سیاسی تحت عنوان یک کار پژوهشی نمایند و همچنین با توجه به اینکه تحقیقات بسیار کمی در این زمینه و بالاخص با این موضوع انجام گرفته، پیشنهاد می‌شود این تحقیق در جامعه‌های مختلف آماری تکرار شود. اینکه توسعه، رشد و تغییر نگرش‌ها تحت تأثیر سن، طبقه‌های اجتماعی و اقتصادی افراد قرار دارد، پیشنهاد می‌گردد که ارتباط صفات شخصیتی و نگرش سیاسی در سنین و طبقات اجتماعی و اقتصادی مختلف بررسی گردد.

## منابع

- آپورت، گوردون دبلیو، ادوارد، ای، جونز. (۱۹۳۵). *روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تا کنون*. ترجمه منشی طوسی، محمدتقی. (۱۳۷۱). نشر معاونت فرهنگی آستان قدس، مشهد.
- براقی زاده، فرهاد. (۱۳۹۲). *هنجاریابی پرسشنامه شخصیتی هگزاکو-۶۰* در شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.
- حسینی زاده، محمد علی. (۱۳۸۶). *اسلام سیاسی در ایران*. دانشگاه علوم انسانی مفید، قم.
- رحمانی‌ملک‌آباد، مهدی؛ فرخی، نورعلی؛ آقابییگی، جلال. (۲۰۱۶). *هنجاریابی و کفایت شاخص‌های روان‌سنجی پرسشنامه ۶ عاملی شخصیت HEXACO-FFI-R* در دانشجویان ایرانی. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۱۱(۳۸): ۱-۱۸.
- دارابی، علی. (۱۳۸۸). *جریان‌شناسی در ایران*. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- شادلو، عباس. (۱۳۸۰). *اطلاعاتی درباره احزاب و جناح‌های سیاسی ایران امروز*. نشر گستره، تهران.
- عبدالملکی، سعید. (۱۳۸۰). *روان‌شناسی سیاسی*. انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۳). *فقه سیاسی*. جلد هشتم، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- کریمی، یوسف. (۱۳۷۷). *نگرش و تغییر نگرش*. انتشارات نشر ارسباران، تهران.
- گنجی، حمزه؛ گنجی، مهدی. (۱۳۹۱). *نظریه‌های شخصیت*. نشر ساوالان، تهران.
- مرتجی، حجت. (۱۳۹۵). *جناح‌های سیاسی در ایران امروز*. انتشارات نقش و نگار.
- مکسول، جان سی. (۱۳۸۵). *اصول نگرش آنچه هر رهبری باید بداند*. ترجمه سیمین موحد، انتشارات پیکان، تهران.
- نکویی مقدم، محمود؛ پیرمادی بزنجانی، نرگس. (۱۳۸۷). *بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی کارکنان و تعارض سازمانی (بین فردی) در سازمان‌های دولتی*. *دوفصلنامه مدیریت دولتی*، ۱(۱۱): ۱۰۵-۱۲۲.
- هرمن، مارگارت جی. (۲۰۰۰). *روان‌شناسی سیاسی مسائل و موضوع‌های معاصر*. ترجمه مجتبی تمدنی. (۱۳۸۱). چاپ اول، نشر آتی، تهران.
- هیوود، اندرو. (۲۰۱۰). *مفاهیم کلیدی در علم سیاست*. ترجمه حسن سعید کلاهی و عباس کاردان (۱۳۹۲)، نشر علمی و فرهنگی، تهران.
- Almond, G. A., & Verba, S. (2015). *The civic culture: Political attitudes and democracy in five nations*. Princeton university press.
- Altemeyer, R. A. (1998). The other "authoritarian personality." In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology*. New York: Academic Press.
- Ashton, M. C., & Lee, K. (2007). Empirical, theoretical, and practical advantages of the HEXACO model of personality structure. *Personality and Social Psychology Review*, 11, 150-166.

- Ashton, M. C., & Lee, K. (2009). The HEXACO-60: A short measure of the major dimensions of personality. *Journal of personality assessment*, 91(4), 340-345.
- Ashton, M. C., Lee, K., Perugini, M., Szarota, P., de Vries, R. E., Di Blas, L., et al. (2004). A six-factor structure of personality-descriptive adjectives: Solutions from psycholexical studies in seven languages. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86, 356-366.
- Barnea, M., and Schwartz, S. H. (1998). Values and voting. *Political Psychology*, 19, 17-40.
- Bem, D. J. (1970). *Beliefs, attitudes, and human affairs*. Belmont, CA: Brooks/Cole.
- Brown, R. (1965). *Social psychology*. New York: Free Press.
- Block, J., & Block, J. H. (2006). Nursery school personality and political orientation two decades later. *Journal of Research in Personality*, 40, 734-749.
- Brown, R. (1965). *Social psychology*. New York: Free Press.
- Carney, D. R., Jost, J. T., Gosling, S. D., & Potter, J. (2008). The secret lives of liberals and conservatives: Personality profiles, interaction styles, and the things they leave behind. *Political Psychology*, 29(6), 807-840.
- Caprara, G. V., & Zimbardo, P. G. (2004). Personalizing politics. *American Psychologist*, 59, 581-594.
- Caprara, G. V., Barbaranelli, C., & Zimbardo, P. G. (1999). Personality profiles and political parties. *Political Psychology*, 20, 175-197.
- Chaiken, S., Wood, W., & Eagly, A. H. (1996). *Principles of persuasion*.
- Chirumbolo, A., & Leone, L. (2010). Personality and politics: The role of the HEXACO model of personality in predicting ideology and voting. *Personality and Individual Differences*, 49, 43-48.
- Deary, I. J., Whiteman, M. C., Starr, J. M., Whalley, L. J., & Fox, H. C. (2004). The impact of childhood intelligence on later life: following up the Scottish mental surveys of 1932 and 1947. *Journal of personality and social psychology*, 86(1), 130.
- Fromm, E. (1947). *Man for himself: An inquiry into the psychology of ethics*. New York: Holt, Rinehart, and Winston.
- Gerber, A. S., Huber, G. A., Doherty, D., Dowling, C. M., & Ha, S. E. (2010). Personality and political attitudes: Relationships across issue domains and political contexts. *American Political Science Review*, 104(1), 111-133.



- Goldberg, L. R. (1990). An alternative “description of personality”: The Big-Five factor structure. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 1216–1229.
- Gosling, S. D., Rentfrow, P. J., & Swann, W. B., Jr. (2003). A very brief measure of the Big Five personality domains. *Journal of Research in Personality*, 37, 504–528.
- Hibbing, M. V., Ritchie, M., & Anderson, M. R. (2011). Personality and political discussion. *Political Behavior*, 33(4), 601-624.
- Haidt, J., & Hersh, M. A. (2001). Sexual morality: The cultures and emotions of conservatives and liberals. *Journal of Applied Social Psychology*, 31, 191–221.
- Jaensch, E. R. (1938). *Der Gegentypus*. Leipzig: J.A. Barth
- Jost, J. T., Glaser, J., Kruglanski, A. W., & Sulloway, F. J. (2003). Political conservatism as motivated social cognition. *Psychological Bulletin*, 129,339–375.
- Johnson, M. K., Rowatt, W. C., & Petrini, L. (2011). A new trait on the market: Honesty–Humility as a unique predictor of job performance ratings. *Personality and Individual Differences*, 50(6), 857-862.
- Kajonius, P. J., & Dåderman, A. M. (2014). Exploring the relationship between honesty-humility, the big five, and liberal values in Swedish students. *Europe’s Journal of Psychology*, 10(1), 104-117.
- Krech, D. Ballachey, E.L. Crutchfield, R.S.(1962). Individual in society; a textbook of social psychology. New York, McGraw-Hill press
- Kruglanski, A. W. (2005). *The psychology of closed mindedness*. New York: Psychology Press
- May, R. (2007). *Love and will*. WW Norton & Company.
- McRae, R. R., & Costa, P. T. (1990). Personality in adulthood. New York.
- Mondak, J. J., & Halperin, K. (2008). A framework for the study of personality and political behaviour. *British Journal of Political Science*, 38(2), 335-362.
- Petty, R. E., & Brinol, P. (2010). Attitude change. *Advanced social psychology: The state of the science*, Chapter 7.
- Sibley, C. G., Harding, J. F., Perry, R., Asbrock, F., & Duckitt, J. (2010). Personality and prejudice: Extension to the HEXACO personality model. *European Journal of Personality*, 24, 515–534.
- Tomkins, S. S. (1964). *Left and right: A basic dimension of ideology and personality*. In R. W. White (Ed.), *the study of lives* (pp. 388–411). Chicago: Atherton.

- Wilson, G. (1973). *The psychology of conservatism*. London: Academic Press.